



طلاق؛ زخم بی وفايي والدین بر قلب فرزندان/ قلب هایی که با اضطراب جدایی ها می تپند

خانواده یک پایگاه اجتماعی است که چهار بعد شخصیتی رشد انسان از قبیل زیستی، روانی، ایمنی و اجتماعی در آنجا شکل می گیرد، در فرهنگ ما مادر به عنوان پایگاه عاطفی و پدر به عنوان پایگاه امنیت در خانواده شناخته شده و وابستگی کودکان به آنها سبب می شود، جدا شدن و جدا زندگی کردن برای آنها تبدیل به کابوسی ترسناک شود.

تبریز- خبرگزاری مهر: خانواده یک پایگاه اجتماعی است که چهار بعد شخصیتی رشد انسان از قبیل زیستی، روانی، ایمنی و اجتماعی در آنجا شکل می گیرد، در فرهنگ ما مادر به عنوان پایگاه عاطفی و پدر به عنوان پایگاه امنیت در خانواده شناخته شده و وابستگی کودکان به آنها سبب می شود، جدا شدن و جدا زندگی کردن برای آنها تبدیل به کابوسی ترسناک شود.

به گزارش خبرنگار مهر، زمانی که در خانواده ای روابط زوجین به وسیله طلاق گسسته می شود اثرات جبران ناپذیری روی روح و روان فرزندان می گذارد و آنها را سر راه ترسناک تک سرپرستی قرار می دهد و کابوس جدایی از مادر یا پدر در فرزندان تبدیل به عقده های روانی می شود.

طلاق در جامعه ما با رشد منفی هشدار دهنده ای رو به رو است و والدین برای رهایی خود از مشکلات، بدون در نظر گرفتن عواقب آن راه آسان تر و مناسب تر که طلاق نام دارد را انتخاب می کنند و تبعات آن در جامعه را فرزندان متحمل می شوند و رفتارهای خشونت آمیز فرزندان طلاق در جامعه آسیب های جبران ناپذیر روحی و روانی را در جامعه به دنبال خواهد داشت.

کودکان کشورهای در حال توسعه قبل از بزرگسالی عضو یک خانواده تک سرپرست خواهند بود

حسین آقاجانی، پژوهشگر مسائل اجتماعی در گفتگو با مهر اظهار داشت: در یکی دو دهه اخیر شاهد افزایش پدیده طلاق در جامعه بوده ایم و مطالعات نشان می دهد همان اندازه که ما درباره زندگی زناشویی خیلی زود تصمیم می گیریم، عوامل و دلایل متعددی موجب می شود که طلاق خیلی سهل و آسان صورت بگیرد.

وی با اشاره به عوامل تداوم طلاق در جامعه گفت: در این مساله عوامل آشکار و پنهان دخالت دارند که باید به آن توجه کرد، ازدواج امروز دیگر ارتباط چندانی با دارایی، اقتصاد و منزلت ندارد و به تدریج زنان از نظر اقتصادی استقلال بیش تری پیدا کرده اند و ازدواج یک مشارکت ضروری اقتصادی مانند دوران های قبل نیست.

وی ادامه داد: کودکان در کشورهای در حال توسعه قبل از بزرگسالی عضو یک خانواده تک سرپرست خواهند بود و مطالعات نشان می دهد که یک درصدی از این زنان و مردان طلاق گرفته ظرف سه تا پنج سال مجدداً ازدواج می کنند و این کودکان با وجود این در محیط خانواده هایی بزرگ می شوند که دارای تنش هستند.

کودکان پس از جدایی پدر و مادرهایشان از اضطراب عاطفی رنج می برند

پژوهشگر مسائل اجتماعی به پیامدهای متعدد کشمکش میان پدر و مادر قبل از جدایی روی کودکان اشاره کرد و گفت: سنجش اثرات جدایی والدین بر کودکان کار بسیار سختی است و کشمکش میان پدر و مادر قبل از جدایی پیامدهای متعددی برای کودکان دارد. آقاجانی ادامه داد: مطالعات نشان می دهد که کودکان پس از جدایی پدر و مادرهایشان در واقع اغلب از اضطراب عاطفی رنج می برند و با ازدواج مجدد والدین که فرزندان خود را به این خانواده های جدید منتقل می کنند مسائل و مشکلات آنها دو چندان می شود.

وی گفت: افرادی که طلاق گرفته اند در ازدواج دوم انتظارات بیش تری دارند و در نتیجه وقتی این انتظارات برآورده نمی شود، مسائل و مشکلاتی را برای فرزندان به وجود می آورد.

بعد از طلاق روابط خانوادگی خویشاوندی در بین فرزندان گسسته می شود

این پژوهشگر مسائل اجتماعی اضافه کرد: از آن جا که روابط خانوادگی و خویشاوندی جزئی از زندگی است بعد از طلاق این نوع روابط خانوادگی خویشاوندی در بین فرزندان گسسته می شود و مشکلاتی که می تواند انواع تجربه عاطفی را در کودکان و نوجوانان افزایش دهد، رو به کاهش می رود.

آقاجانی کاهش روابط خانوادگی را عامل ایجاد خشونت در کودکان دانست و گفت: رفتار کودکان در درون ساختار خانواده شکل می گیرد و زمانی که کودک عشق، محبت و صمیمیت را در ساختار خانواده تجربه نکند، دچار پرخاشگری می شود.

وی در ادامه گفت: دگرگونی های عمده در الگوهای زندگی خانوادگی در جامعه ما موجب شده درصدی از زنان و مردان دیگر نتوانند در کنار یکدیگر به زندگی عاطفی خویش ادامه دهند.

پژوهشگر مسائل اجتماعی افزود: امروزه الگوی ازدواج در جامعه ما تغییر کرده و باید در دانشگاه ها تحولات اجتماعی و اقتصادی که در ساختار خانواده به وجود آمده در زمینه تغییر و تحول خانواده مورد مطالعه وسیع قرار گیرد.

آقاجانی خواستار توجه جوانان به شیوه همسرگزینی هنگام ازدواج شد و گفت: در حال حاضر در شهرهای بزرگ شیوه همسرگزینی به این شکل است که دخترهای جوان خارج از محل زندگی همسرشان را انتخاب می کنند و عواقب این ازدواج هنوز در خانواده های سنتی- مدرنیته ما حاکم است.

کودکان طلاق در برقراری ارتباط دچار مشکل هستند

موسی نیرومند، جامعه شناس نیز با اشاره به تاثیرات طلاق روی فرزندان گفت: طلاق یک پدیده اجتماعی است و در حال حاضر با توجه به صعودی بودن آن در جامعه باید سواد طلاق را داشته باشیم.

وی با بیان اینکه در حال حاضر جامعه ما آماده پدیده طلاق نیست، افزود: در جامعه ما هیچ گونه آمادگی برای این امر وجود ندارد و پس از طلاق فشار روانی پدر و مادرها سه برابر می شود و جریان طبیعی رشد فرزندان را مختل کرده و در شکل پذیری آنها وقفه ای ایجاد می کند و این امر آثار روانی از جمله اضطراب را به دنبال دارد.

این جامعه شناس افزود: خانواده ها استقلال را به فرزندان خود یاد می دهند و استقلال باعث ایجاد اعتماد به نفس در فرزندان می شود اما وقتی جدایی صورت می گیرد فرزندان اعتماد به نفس خود را از دست می دهند.

نیرومند نبود اعتماد به نفس را از اصلی ترین مشکلات فرزندان طلاق عنوان کرد و گفت: فرزندان طلاق با توجه به اینکه از اعتماد به نفس پایین تری برخوردار هستند در برقراری ارتباط با دیگران دچار مشکل می شوند.

وی ادامه داد: در مدارس نیز کودکانی که فرزند طلاق هستند شبکه ارتباطی ضعیفی دارند و دلیل آن زخم عاطفی است که کودکان از آن رنج می برند.

این جامعه شناس گفت: پس از طلاق، کودک تک سرپرست و پدر و مادر وی دچار افسردگی می شوند و تک سرپرست از تعادل روحی و روانی خارج شده و با بی نظمی رفتارهای خود این رفتارها را به فرزند خود نیز انتقال می دهد و پس از جدایی والدین از یکدیگر ارتباط فرزندان کور و معیوب می شود.

نیرومند افزود: نبود تعادل در تک سرپرست ها پس از طلاق به عنوان یک آسیب است که کودکان را تهدید می کند چرا که پس از طلاق با فشار روحی و روانی که سرپرست دارد توان مدیریت وی را به ضعف می کشاند.

وی آموزش مهارت مستقل زندگی کردن را برای کودکان در جامعه ضروری دانست و گفت: طلاق و دیگر بلاهای طبیعی از جمله مرگ و بیماری ها برای والدین وجود دارد و باید به کودکانمان مهارت مستقل بودن را آموزش بدهیم.

این جامعه شناس ادامه داد: در کشورهای جهان سوم هیچ گونه آموزشی در این خصوص صورت نمی گیرد و این امر سبب می شود جامعه به سمت و سوی بزه برود.

روابط پس از طلاق کنترل شود

نیرومند با اشاره به اینکه اکثر طلاق ها در جامعه ما با تنش رخ می دهد افزود: با توجه به اینکه در جامعه ما اکثر طلاق ها با تنش رخ می دهد و روابط خویشاوندی از همدیگر گسسته شده و شبکه ارتباطی روابط فامیلی قطع می شود، این گسستگی آنها را به سمت و سوی افسرده خویی سوق می دهد.

وی افزود: باید گسستگی روابط به صورت کنترل شده باشد تا فرزندان با قطع شدن رشته ارتباطی فامیلی دچار شکست عاطفی نشوند.

این جامعه شناس گفت: ارتباطات پس از طلاق باید کنترل شده و با گذشت زمان این روابط کمتر شود.

با توجه به اینکه در جامعه برای مستقل زندگی کردن آموزش هایی داده نشده است، باعث شده که فرزندان به علت وابستگی عاطفی که به پدر و مادر دارند در صورت جدایی از آنها دچار اضطراب، افسردگی، افت اعتماد به نفس شوند و تا زمانیکه جامعه برای آموزش اینگونه مهارت ها آماده نباشد باید در آینده تبعات جبران ناپذیری را متحمل شد.

.....
گزارش از زهرا ناصران